

بی بی سی؛ بنگاه سخن پراکنی استعمار انگلیس

۲۸ خرداد ۱۴۰۱ ساعت ۱۴:۴۷

در واقع، انگلستان، که از هر فرصت برای طعمه‌یابی مقاصد استعمارگرانه خویش استفاده می‌کرد، این بار سعی کرد از طریق رسانه های وابسته به خود از فرصتی که خود به وجود آورده بود استفاده کند و نتیجه گرفت و اعلام کرد که ایران در چنگال کمونیسم گرفتار است و اگر انگلستان از ایران برود کمونیستها سراسر ایران را خواهند بلعید و بدین ترتیب دولت شوروی به آسانی به پهنه دریای خلیج فارس مسلط خواهد شد.

در جریان تحولات ملی شدن صنعت نفت علاوه بر مطبوعات داخلی، ترجمه برخی از مقالات و اخبار خارجی، خبرگزاریها و مطبوعات غربی یا شرقی - مانند تایمز لندن، رویتر، آسوشیيتدپرس، بی‌بی‌سی لندن، تایم آمریکا - با توجه به مواضع دولتهای انگلیس و آمریکا، اخبار ایران را بازتاب می‌دادند؛ اما در این میان، رادیو بی‌بی‌سی بیش از دیگر رسانه‌های خارجی عمل می‌کرد. در آن سالها یکی از حربه‌های استعماری انگلستان برای نفوذ در لایه‌های مختلف جوامع جهان سوم، به ویژه در اذهان روشنفکران و دانشجویان، استفاده از رسانه رادیو موسوم به رادیو بی بی سی بود. انگلیس، با هوشیاری بسیار و در ظاهر با نگاهی بیطرفانه و گاه دلسوزانه، به تحلیل و تفسیر وقایع پراهمیت می‌پرداخت و پس از تفرقه‌افکنی و تبلیغ افکار و منافع استعمارگرانه خود بسیاری از اقشار مختلف را با خود همسو می‌کرد و بدین ترتیب با کمترین هزینه به مقاصد شوم خود می‌رسید؛ کمالینکه این طعمه‌یابی آسان امروز نه تنها با رادیو بی‌بی‌سی بلکه با تلویزیون بی‌بی‌سی و صدها مطبوعات در سراسر جهان، که با پیشبرد منافع استعمارگرانه انگلستان تولید و نشر می‌شوند، ادامه یافته است.

بی بی سی؛ بنگاه سخن پراکنی استعمار انگلیس

در دوران مبارزه برای ملی شدن نفت نیز انگلستان از طریق رادیو بی‌بی‌سی با تمام جزئیات هر روز وقایع را به نفع خود برای جهانیان تحلیل و تفسیر می‌کرد. با این همه، آن گونه که می‌خواست نتوانست بر اذهان مردم ایران غلبه کند. مهد آزادی، با افشای این دسیسه قدیمی انگلیس، در مقاله‌ای تحت عنوان «مشاور مخصوص!» مردم را به آگاهی دعوت کرده می‌نویسد: «دولت استعمارطلب انگلیس، در نقاب شرکت نفت سابق، پس از نیم قرن غارت و چپاول امروز که بیداری توده‌های ملت ایران و سرنگونی خویش را می‌بیند به دست و پا افتاده و بلندگوی لندن از هرگونه کارشکنی درباره دولت دکتر مصدق خودداری نمی‌کند.» ۱ تا اینکه در واقعه قیام سی‌ام تیر با شایعه‌پراکنی بسیار نتوانست بسیاری از روزنامه‌نگاران را با مقاصد خود همسو کند.

در واقع، انگلستان، که از هر فرصت برای طعمه‌یابی مقاصد استعمارگرانه خویش استفاده می‌کرد، این بار سعی کرد از طریق رادیو بی‌بی‌سی از فرصتی که خود به وجود آورده بود استفاده کند و نتیجه گرفت و اعلام کرد که ایران در چنگال کمونیسم گرفتار است

و اگر انگلستان از ایران برود کمونیستها سراسر ایران را خواهند بلعید و بدین ترتیب دولت شوروی به آسانی به پهنه دریای خلیج فارس مسلط خواهد شد.

بدین ترتیب، ایران هراسی عظیم را به آمریکا القا نموده آمریکا را نیز در مقابل ملی شدن صنعت نفت همراه خود ساخت تا آنجا که برای حفظ منافع انگلستان در ایران کودتا کردند و با نام آزادی با خنثی کردن آثار ملی شدن صنعت نفت و دربند کشیدن آزادمردان به مدت چند دهه حکومت سیاه را بر ایران تحمیل کردند. ۲

شایعه پراکنی رعب و وحشت رادیو انگلستان در میان نویسندگان و مطبوعاتیهای ایران نیز دودستگی و تفرقه انداخت و بسیاری از روزنامه نگاران، به گفته مهد آزادی، «مشتی معلوم الحال خوشسابقه! علیه مصالح ملت و به نفع انگلستان قلمزنی کردند.» ۳ و «آشوبگران مبارز! و پیشتازان ورشکسته با اعمال ننگین ۲۳ تیر ماه با مزدوری و بیگانه پرستی خود را به دنیا ثابت کردند.» ۴ در مقابل، مطبوعات مبارز، با افشای چهره جنایتکارانه آنها، مردم را به آگاهی در برابر توطئه جدید انگلستان فرامیخواندند. در این مورد، مهد آزادی می نویسد:

در جریان فاجعه خونین و دردناک یکشنبه ۲۳ تیر، جمعیت ملی! مبارزه با شرکتهای استعماری، ملی بودن و ماهیت ضد استعماری خود را به خوبی علنی ساخت و افراد ملعبه و عروسکهای خیمه شب باز آن — در راه تأمین منافع لردان نفتخوار سینه سپر کرده — عدهای بیگانه را به کشتن دادند. خونهایی که سطح خیابانها را گلگون کرد قلوب ایرانیان را نیز خونین و متأثر نمود و جراید را از جنبه های مختلف به اظهار تأسف و ادا داشت چنانکه این واقعه جنایت بار منطق فولادین در اختیار سرسپردگان و نوکران شرکت سابق نفت باشد تا مشتى سفسطه چى دولت ملی و دموکرات فعلی را متهم و مسئول خونهای ریخته شده نفسهای مقتول بدانند و سخنگوی یاهوگوی رادیو لندن به قول باختر امروز کبکش خروس بخواند و داد سخن بدهد که: «فاجعه روز یکشنبه نشان داد که دکتر مصدق حاکم و مسلط بر امور کشور نمی باشد و کمونیستها در کمین هستند که ایران را ببلعند و اگر انگلستان پای خود را از ایران کنار بکشد کار ایران تمام شده است...» مشتى معلوم الحال — خوش سابقه! که با کمال وقاحت و بیشرمی از بدو امر نفت — یعنی از آغاز جنبش حق طلبانه و ضد استعماری ملت ایران، و شاید از خیلی پیشتر تا به حال، حالا که آمال ملی تحقق می یابد اخلال و کارشکنی نموده علیه مصالح ملت ما اقداماتی ناروا کرده و ناشیانه برخلاف جریان قدم برداشته اند اینک سخت در تکاپو و تلاش اند و با دست خود چوبه های دار انتقام برپا می کنند و، بیشتر از پیش، خود را در محکمه افکار عمومی محکوم به مجازات و کیفر خائنانه می نمایند. ۵

افشای خطر نفوذ انگلیس در کابینه های مختلف مجلس و خرید و فروش آراء

در دوران مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت، اخبار مجلس در صدر توجهات مطبوعات قرار داشت و فضای مطبوعاتی متأثر از مسائل و درگیریها و اختلافات داخل مجلس و اظهارات نمایندگان و در موارد زیادی تأثیرگذار بر شدت و دامنه آنها بوده است. مطبوعات درباری، به تبعیت از رجال وابسته به انگلیس مانند جمال امامی رهبر اقلیت مخالف مجلس، با مقالات و مطالب خود خطر کمونیسم و افزایش قدرت کمونیستها را طرح می کردند و با این ترفند درصدد کمرنگ جلوه دادن خطر نفوذ انگلیس بودند. امروزه پژوهشگران آمریکایی و انگلیسی معترف هستند که بزرگنمایی خطر کمونیسم در واقع یک ترفند سیاسی به منظور منفعل ساختن مردم و نیروهای مذهبی و جلب محافل حاکمه به نفع سیاستهای آمریکا و انگلیس و بسترسازی برای وقوع کودتا بوده است.

اوجگیری هتاکي و حملات زشت و رفتارهای مبتذل نمایندگان مجلس، به ویژه مخالفان دولت، در موقعیتی بود که طی مدتی پخش مستقیم مذاکرات مجلس از رادیو آغاز گشته بود و از تریبون مجلس هتاکیه‌ها و حملات توأمان به دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی به توسط برخی از نمایندگان مخالف دولت انجام می‌گرفت و مستقیماً به گوش مردم می‌رسید. ۶

مجلس نیز، به پیروی از این عمال مزدور داخلی، در راستای اهداف استعمارگرانه انگلستان در کار ملی شدن نفت کارشکنی می‌کرد. دکتر مصدق، در گزارش آخرین مذاکره با هندرسن، با تأسف از نفوذ بسیار انگلیس در مجلس ایران می‌گوید: «انگلیسی‌ها سی نفر از وکلای خریدار بودند و از چهل نفر باقی هم ده نفر دیگر را می‌شد با پرداخت یکصد هزار تومان بخرند ... مجلسی که از سوی انگلیسی‌ها خریداری شده باشد به درد ملت ایران نمی‌خورد. ۷ در واقع، حکومت و دربار عامل اجرایی و حافظ منافع انگلیسی‌ها بودند و نمایندگان مجلس سنا، که اغلب از نردبان مالکان و سرمایه‌داران به مسند قدرت رسیده بودند، قوانینی که به نفع بیگانگان بود تصویب می‌کردند. مهد آزادی طی مقاله‌ای به این توطئه آشکار انگلیس اشاره کرده می‌نویسد: «ملت ایران در این مبارزه سخت بیدار است و به خیانت‌پیشگان اجازه نمی‌دهد با تبعیت از درخواستها و مصالح امپراطوری سابقاً کبیر انگلستان اخلال و کارشکنی کند.» ۸

منابع زیرزمینی کشور و اغلب خزانه‌های زیرزمینی به کشورهای بیگانه سرازیر می‌شد و مطبوعات موافق شاه و انگلستان با موضعگیری و حمایت از این نمایندگان جیره‌خوار اغلب آب به آسیاب دشمن می‌ریختند. در آستانه انتخابات مجلس هفدهم (آذر و دی ۱۳۳۰) حملات سیاسی و مطبوعاتی تند و تحریک‌آمیز مخالفان نهضت به اوج خود رسید. در تیریز روزنامه آذربادگان به سرپرستی محمد دیهیم عهده‌دار این امر بود و، با حمایت از نمایندگان موافق استعمارگریهای انگلستان، اوضاع را متشنج می‌کرد. زمزمه خرید و فروش رأی در اغلب شهرها و روستاها به واقعیت پیوست و مهد آزادی با تأسف در چندین شماره با اسناد و شواهد نوشت، «چندین نفر از عناصر معلوم‌الحال برای فروش آراء مردم دکان باز کرده‌اند» ۹ و در یک شماره صراحتاً از دلالت و شهادت فروش آراء مردم در شهر اسکو پرده برداشت. ۱۰

روزنامه مهد آزادی، که از بی‌توجهی مجلس‌نشینان به نهضت ملی کردن صنعت نفت همواره گلایه‌مند بود و مجلسیان را به اتحاد در برابر استعمارگران فرامی‌خواند، سعی می‌کرد در اغلب شماره‌ها خطر نفوذ انگلستان در کابینه‌های مختلف مجلس را به مردم یادآور شود و بنویسد:

چندی است مجلس سنا به ساز لندن می‌رقصد. سناتورهای پیر و فرتوت که اغلب دست‌پروردگان عین‌الدوله و سرجنبان حکومت نیم قرن اخیر هستند زمزمه مخالفت با دکتر مصدق را آغاز کرده‌اند و نمایش مسخره‌آمیز خود را، به اصطلاح هنرمندان، «رپتسیون» [تکرار] می‌کنند. وقتی گوشه‌های سنگین و از کارافتاده رجال ساز لندن را شنیده و با همه پیری رقصید عجیب نیست که صدای لیره، چند تازه‌کار را نیز به میدان مخالفت بکشاند. تازگیها شنیده می‌شود که ایادی بیگانه کوشا هستند که مجلس هفدهم افتتاح نشود و برای اینکه عده به حد نصاب نرسد می‌کوشند عده‌ای را به عنوان مسافرت از مرکز دور کنند و عده‌ای را به عنوان مریض از دید و بازدید محروم نمایند. اگر این گفته حقیقت داشته باشد باید ملت به خاطر خونهایی که ریخته شده و به خاطر مبارزاتی که کرده تا ابد سیاه پیوشد و بر هرچه مشروطه‌خواه است لعنت بفرستد. اگر نمایندگان دوره هفدهم بخواهند در آغاز کار چنین به ساز بیگانه برقصند یقین داشته باشند که دیگر آزادی در تاریخ ایران بیمعنی خواهد شد. نمایندگان مجلس ملی — در پی تشبثات خانه خراب‌کن بیگانه نروند و مبارزه ضد استعماری را ناچیز شمارند و دولت را در چنین شرایطی تقویت کنند و تن به ننگ تاریخ ندهند؛ زیرا آنها که مایل‌اند فترت ادامه یابد کسانی هستند که می‌خواهند به دست سنا دولت را ساقط کنند و

یا آنهایی هستند که می‌خواهند هواداران خود را از شهرستانهای دیگر برای اشغال کرسی ریاست یا برای سقوط دولت مصدق بسیج کنند و اگر دیگر نمایندگان هم از سرجنابان ضد ملی پیروی کنند باید گفت: «سالی که نکوست از بهارش پیداست. ۱۱»

پی نوشتها:

۱. روزنامه مهد آزادی، پنجشنبه ۲۷ تیر ماه ۱۳۳۰
۲. روزنامه مهد آزادی، «خاطرات دکتر طلوعی از مبارزات دوره نفت»، شهریور ۹۰.
۳. غلامرضا نجاتی، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹، ص ۴۵
۴. روزنامه مهد آزادی، ۲۷ تیر ماه ۱۳۳۰، شماره ۳۳
۵. همان
۶. گزارش نشست بررسی نقش مطبوعات در بسترسازی کودتای ۲۸ مرداد، تهران، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲.
۷. محمدعلی موحد، خواب آشفته نفت، نشر کارنامه، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۵
۸. روزنامه مهد آزادی، چهارم مهر ۱۳۳۰، سال اول، شماره ۴۳.
۹. روزنامه مهد آزادی، شماره‌های اول و بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۳۰.
۱۰. همان، ۲۲ بهمن ماه ۱۳۳۰
۱۱. روزنامه مهد آزادی، ۱۸ آبان ماه ۱۳۳۰، شماره ۴۸.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/48769/پیراکنی-سخن-بنگاه-سی-بی-48769>